

## بررسی فقهی - حقوقی تعهدات ویژه ناشی از قرارداد انتشار

سعید محسنی\*

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

سید محمد مهدی قبولی درافشان

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۲/۱۰)

### چکیده:

در برخی نظام‌های حقوقی همچون فرانسه، ضمن پیش‌بینی قالب‌های مشخص برای قراردادهای بهره‌برداری از حقوق ادبی و هنری، قواعد مربوط و تعهدات ناشی از آن نهادینه شده است. در این میان، قرارداد انتشار اهمیتی ویژه دارد. در نظام حقوقی ایران برغم شناسایی حقوق ادبی و هنری، قواعدی ویژه در خصوص قراردادهای پیش‌گفته به چشم نمی‌خورد و ادبیات حقوقی مربوط از غنای کافی برخوردار نیست. به همین جهت، این سؤال مطرح است که آیا حقوق و تعهدات ویژه که در نظام حقوقی فرانسه متناسب با طبیعت حقوق ادبی و هنری، پیش‌بینی شده، می‌تواند در نظام حقوقی ایران نیز مورد پذیرش قرارگیرد. به موجب دستاوردهای حاصل از این تحقیق، به نظر می‌رسد در حقوق ایران، برخی از حقوق و تعهداتی که برای پدیدآورنده و ناشر در حقوق فرانسه پذیرفته شده، بر اساس قواعد عمومی و برخی دیگر بر فرض ورود در قلمرو تراضی مورد پذیرش است.

### واژگان کلیدی:

آثار ادبی و هنری، قرارداد انتشار، حقوق مادی، پدیدآورنده، ناشر.

## مقدمه

در عرصه مالکیت‌های ادبی و هنری (la propriété littéraire et artistique)؛ مسأله واگذاری تمام یا قسمتی از حقوق مادی متعلق به پدیدآورنده و قراردادهای مرتبط با آن امروزه از اهمیتی ویژه برخوردار بوده، قواعد مربوط به انتقال حقوق مزبور دارای ظرافت‌هایی است. به همین جهت در برخی از نظام‌های حقوقی، ضمن پیش‌بینی قالب‌های مشخص برای قراردادهای مزبور، قواعد مربوط و تعهدات ناشی از آن نهادینه شده است. یکی از مهم‌ترین این قراردادها قرارداد انتشار (Le contrat d'édition) است که قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۹۲ با اصلاحات بعدی، در مواد L132-1 تا L132-17 برای آن قواعد معینی پیش‌بینی کرده، حقوقدانان فرانسوی نیز به‌طور مبسوط به آن پرداخته‌اند. به‌موجب ماده L132-1 قانون مزبور، «قرارداد انتشار، قراردادی است که به‌موجب آن پدیدآورنده اثری فکری یا جانشینان وی تحت شرایطی مشخص<sup>۱</sup>، حق ساختن شماری از نمونه‌های اثر (به‌طور مستقیم یا به بوسیله غیر) را به شخصی موسوم به ناشر می‌دهد و او نشر و توزیع اثر را تضمین می‌کند».

بدیهی است در قرارداد انتشار نیز هر یک از طرفین قرارداد، حقوق و تعهداتی دارند. نخستین قاعده لازم‌الاجرا در هر قراردادی پایبندی به مفاد قرارداد بوسیله طرفین است. بنابراین، هریک از طرفین قرارداد ملزم به رعایت تمام شرایطی هستند که در چارچوب قانون به صورت صریح یا ضمنی وارد قلمرو تراضی شده است. به همین جهت ماده L132-11 قانون مالکیت فکری فرانسه بر لزوم رعایت شرایط پیش‌بینی شده در قرارداد تأکید می‌کند. به علاوه رعایت رویه‌های مرسوم در حرفه مورد نظر که بیانگر اراده ضمنی طرفین است نیز در ماده مزبور و ماده L132-12 لازم دانسته شده است. ضمن این که با توجه به اقتضائات خاص مالکیت‌های ادبی و هنری، برخی تعهدات و حقوق ویژه نیز برای هریک از طرفین قرارداد انتشار در قانون مالکیت فکری این کشور، پیش‌بینی شده است.

در نظام حقوقی ایران به‌رغم شناسایی حقوق ادبی و هنری و پذیرش انتقال ارادی حقوق مادی پدیدآورنده<sup>۲</sup>، قواعدی ویژه در خصوص قراردادهای پیش‌گفته به چشم نمی‌خورد و ادبیات حقوقی مربوط از غنای کافی برخوردار نیست. در واقع هرچند با توجه به عموماتی

۱. در این راستا قانونگذار فرانسه در ماده L131-3 تعیین هریک از حقوق انتقالی به‌صورت جداگانه، تعیین قلمرو بهره‌بردار از این حقوق از جهت مدت‌زمان بهره‌برداری، وسعت مکانی آن و نیز هدف و شیوه بهره‌برداری را به عنوان قاعده عمومی در همه قراردادهای واگذاری حقوق ادبی و هنری، لازم دانسته است.

۲. انتقال ارادی حقوق مزبور بر اساس ماده پنج قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، ماده یک قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ و ماده نه قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، مورد پذیرش قانونگذار ایران قرار گرفته است.

همچون آیه شریفه «أوفوا بالعقود»<sup>۱</sup>، «المسلمون عند شروطهم» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۱۶۹) و قواعد عمومی حاکم بر قراردادها مندرج در قانون مدنی از جمله مواد ۲۱۹، ۲۲۰ و ۲۲۵، در قرارداد انتشار نیز طرفین اصولاً تابع مفاد توافق خویش و نتایج عرفی و قانونی آن هستند؛ لیکن مقرراتی ویژه در خصوص قرارداد انتشار با در نظر گرفتن طبیعت خاص مالکیت‌های ادبی و هنری، پیش‌بینی نشده است. به همین جهت، این سؤال مطرح است که آیا حقوق و تعهدات ویژه که در نظام حقوقی فرانسه متناسب با طبیعت حقوق ادبی و هنری، پیش‌بینی شده، می‌تواند در نظام حقوقی ایران نیز مورد پذیرش قرار گیرد. طبیعی است پرداختن به این مسأله ضمن تبیین موضع نظام حقوقی ایران در وضعیت کنونی، می‌تواند نمایانگر نقاط قوت و ضعف و گامی در راه توسعه ادبیات حقوقی ایران در این عرصه باشد.

به همین جهت، بررسی و تبیین مهم‌ترین حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد انتشار با رویکردی فقهی - حقوقی، موضوع این تحقیق را تشکیل می‌دهد. البته بدیهی است در این راستا ناگزیر از بررسی نظام‌های حقوقی‌ای هستیم که در این خصوص مقررات ویژه دارند. با این توصیف، از دستاوردهای نظام حقوقی فرانسه به عنوان نظام حقوقی پیشگام در این خصوص بهره خواهیم گرفت. همچنین به مناسبت، از دستاوردهای تقنینی و دکترونی نظام حقوقی مصر که در بین نظام‌های حقوقی کشورهای عربی، در عرصه حقوق ادبی و هنری پیشگام بوده نیز استفاده خواهیم کرد. بنابراین به ترتیب از مهم‌ترین حقوق و تعهدات پدیدآورنده (بند نخست) و ناشر (بند دوم) سخن خواهیم گفت.

### بند نخست - برخی از حقوق و تعهدات پدیدآورنده

بدیهی است لازمه اجرای قرارداد این است که پدیدآورنده نسخه اصلی اثر را به منتقل‌الیه تسلیم کند (الف). به علاوه وی متعهد است از انجام اقدامات منافی حقوق منتقل‌الیه اجتناب کند. به تعبیر دیگر، تضمین حقوق منتقل‌الیه از تعهدات وی به شمار می‌آید (ب). در مقابل در برخی از نظام‌های حقوقی از مشارکت پدیدآورنده در عواید بهره‌برداری از اثر سخن گفته شده است (ج). همچنین پدیدآورنده می‌تواند سقفی معین را برای قیمت فروش نسخه‌های تکثیر شده، شرط کند (د). در ادامه به بررسی حقوق و تکالیف مزبور می‌پردازیم.

#### الف - تعهد پدیدآورنده به تسلیم نسخه اصلی

یکی از تعهدات مهم پدیدآورنده در مقابل ناشر این است که به هزینه خود و در موعد مقرر، نسخه‌ای از اثر را در اختیار وی قرار دهد تا بتواند کار نشر را آغاز کند. البته مالکیت

۱. سوره مبارکه مائده، آیه یک.

نسخه اصلی به پدیدآورنده تعلق داشته، بنابراین وی می‌تواند پس از انتشار، نسخه مزبور را مسترد کند؛ مگر این‌که برخلاف آن توافق شده باشد.

در حقوق فرانسه در ماده 9-132 L قانون مالکیت فکری، پدیدآورنده را ملزم کرده که برای ناشر امکان تکثیر و تولید نسخه‌های اثر را فراهم آورد. این امر باید در موعد پیش‌بینی شده در قرارداد به نحوی انجام شود که امکان اجرای معمول نشر اثر فراهم آید. به عنوان مثال در مواردی که موضوع قرارداد انتشار کتاب است، پدیدآورنده باید به موقع، دست‌نوشته را به صورت خوانا و اصلاح شده در اختیار ناشر قرار دهد. تأخیر بیش از اندازه پدیدآورنده در تحویل نسخه مزبور موجب حق فسخ برای ناشر می‌شود. البته لازم به ذکر است که مالکیت نسخه اصلی (دست‌نوشته) برای پدیدآورنده محفوظ است و ناشر متعهد به حفظ آن بوده، ملزم است پس از ختم عملیات نشر، نسخه مزبور را به پدیدآورنده مسترد کند (Pollaud-Dulian, 2005: 630-631, n° 1046; cf. Colombet, 1976: 264-265, n° 321; Lucas, 2001: 459-463, n° 574-780) (همچنین ر. کلمبه، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

تعهد پدیدآورنده به تسلیم نسخه اصلی یا نسخه‌ای مطابق با اصل، در حقوق مصر نیز مطرح شده و به‌عنوان ضمانت اجرا، برای ناشر، حق فسخ و حق مطالبه خسارت پیش‌بینی و به‌صراحت الزام پدیدآورنده به اجرای عین تعهد نفی شده است. علت حکم مزبور این است که الزام مزبور با حقوق معنوی پدیدآورنده منافات دارد که بر اساس آن می‌تواند از تصمیم انتشار اثرش عدول کند (سنه‌وری، ۱۹۹۸، ج ۷: ۳۳۴-۳۳۵).

در حقوق ایران نیز تعهد به تسلیم نسخه اصلی که لازمه بهره‌برداری منتقل‌الیه از اثر است، به عنوان تعهدی قراردادی قابل استنباط است. چنانچه پدیدآورنده از تسلیم نسخه اصلی خودداری کند، می‌توان از مرجع صالح، الزام او را به انجام تعهد تقاضا کرد. البته ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا الزام پدیدآورنده به انجام تعهد مزبور با حق معنوی وی مبنی بر عدول از انتشار منافی نیست؟ در پاسخ باید گفت حق معنوی مزبور در حقوق ایران محل تردید و تأمل است و متون قانونی نسبت به آن تصریح نکرده، در این باره ساکت است. همین مسأله موجب شده که برخی از حقوقدانان (صفایی، ۱۳۸۶: ۸۶؛ آیتی، ۱۳۷۵: ۱۴۲؛ نیز ر. ک. محمدی، ۱۳۸۶: ۲۴۵). با توجه به اصل لزوم و قدرت الزام‌آور قرارداد، این حق را در حقوق ایران به رسمیت نشانند. لیکن برخی (زرکلام، ۱۳۸۷: ۱۲۵)، قائل به تفصیل شده، حق استرداد را در فرضی نفی کرده‌اند که اثر هنری در قالب شئی مادی تبلور یافته است. ولی در سایر موارد معتقدند که باید به پدیدآورنده اختیار داده شود تا در مواردی که منافع مشروع وی مورد تهدید قرار گرفته یا اعتقادات فلسفی، هنری، فکری و اخلاقی او دچار تغییر شده، از حق عدول یا اصلاح اثر موضوع قراردادهای بهره‌برداری برخوردار شود.

هر چند نظر اخیر به عنوان پیشنهاد اصلاحی جهت پیش‌بینی حق مزبور با شرایط محدود، در سیستم حقوقی ایران، مناسب به نظر می‌رسد؛ لیکن در شرایط موجود، با توجه به اصل لزوم و حکم ماده ۲۱۹ قانون مدنی، پذیرش آن دشوار است؛ مگر این که حق مزبور به گونه‌ای (اعم از صریح یا ضمنی) وارد عرصه قرارداد شود. طبیعی است در این صورت، وجود حق مزبور متناسب به اراده طرفین قرارداد خواهد بود. همچنین چنانچه پایبندی به قرارداد نشر موجب ضرر معتدبه و حرج پدیدآورنده شود به نحوی که گزیری از آن جز از راه فسخ قرارداد وجود نداشته باشد، به نظر می‌رسد بتوان با استناد به قاعده لاضرر و قاعده نفی عسر و حرج، به نفی حکم ضرری و حرجی لزوم قرارداد اقدام کرد. توضیح این که در مواردی ممکن است در تدوین اثری ادبی و هنری، اشتباهات اساسی رخ دهد یا پس از تدوین اثر مزبور، اندیشه‌ها و عقاید پدیدآورنده دچار دگرگونی‌های عمیق شود. در این صورت ممکن است الزام پدیدآورنده به تسلیم نسخه مزبور و به تبع آن، انتشار اثر به کیفیت مزبور موجب مخدوش شدن حیثیت مذهبی، علمی یا هنری وی شود و ضرر و حرجی شدید را برای وی به دنبال داشته باشد. زیرا همان‌گونه که می‌دانیم، آثار ادبی و هنری کرد و تبلور شخصیت پدیدآورنده آن محسوب می‌شود. با توجه به این توضیحات، چنانچه تنها راه رفع ضرر فسخ قرارداد باشد، می‌توان حکم ضرری یا حرجی لزوم را منتفی دانست. زیرا ادله قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج بر سایر احکام حکومت دارد (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۲: ۴۶۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۳۵ و ۲۵۶ و ۲۶۴؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۶۳-۲۶۵؛ مصطفوی، ۱۴۱۷: ۲۹۶؛ برای ملاحظه نظری که وجه تقدم ادله لاضرر و نفی حرج را از باب تخصیص و نه حکومت می‌داند، رک. مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۸۶-۱۸۵). البته طبیعی است در این راه، رعایت اقتضائات قواعد مزبور ضروری است. پرواضح است اثبات ضرر یا حرج به عهده مدعی آن (پدیدآورنده) است و در این راه باید با تفسیر مضیق، راه سوءاستفاده را مسدود کرد. به‌ویژه این که اصل بر لزوم قرارداد است. در این راستا، توجه به ضرر وارد بر ناشر نیز ضروری است. توضیح این که ممکن است اعمال حق فسخ بوسیله پدیدآورنده موجب زیان ناشر شود. در این خصوص ممکن است بدو با این ایراد مواجه شویم که در صورت تعارض ضرر پدیدآورنده با ضرر ناشر، اعمال قاعده لاضرر منتفی می‌شود. در پاسخ باید گفت، از سویی اگر آن‌گونه که برخی از فقیهان امامی (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۲: ۴۶۷) احتمال داده‌اند، قاعده نفی حرج را بر قاعده نفی ضرر حاکم بدانیم،<sup>۱</sup> هتک حیثیت مذهبی یا علمی و هنری پدیدآورنده ممکن است عسر و حرج تلقی شود. در حالی که معمولاً ناشر از فسخ قرارداد دچار عسر و حرج نمی‌شود و حداکثر وضعیت ضرر بر او عارض می‌شود. در نتیجه اصلاً تعارضی در بین نخواهد بود. البته همان‌گونه که برخی فقیهان (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۲۴۱-۲۴۲؛ مکارم شیرازی،

۱. البته این احتمال توسط برخی دیگر از فقیهان (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۴۱-۲۴۲) مورد پذیرش قرار نگرفته است.

۱۴۱۱، ج ۱: ۱۹۹-۲۰۰) بیان داشته‌اند، حکومت ادله قاعده نفی عسر و حرج بر ادله قاعده نفی ضرر محل تأمل است و دلیلی قانع کننده برای آن ارائه نشده است. از سوی دیگر، در صورت مسأله پیش گفته، فرض این است که ضرر عرضی و حیثیتی پدیدآورنده از طریقی جز فسخ قرارداد، قابل رفع نیست. در حالی که ضرر ناشر که نوعاً ضرر مالی است، از طریق پرداخت خسارت قابل جبران است.<sup>۱</sup> به همین جهت در تمام نظام‌هایی که به پدیدآورنده حق اصلاح یا استرداد اعطا کرده‌اند، اعمال آن را منوط به پرداخت غرامت به طرف قرارداد اعلام کرده‌اند. ضمن این که در صورت تصمیم بعدی پدیدآورنده به انتشار آن اثر، طرف قرارداد سابق بر دیگران ترجیح و اولویت دارد.

علاوه بر راهکار قراردادی (پیش‌بینی حق فسخ در قرارداد) و راه حل استناد به قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج، چنانچه قانونگذار در مواردی حق فسخ یا عدول از قرارداد را مقرر کرده باشد، پدیدآورنده می‌تواند بر اساس آن اقدام کند. به همین ترتیب چنانچه قرارداد فیما بین پدیدآورنده و ناشر در زمره عقود اذنی باشد، همان‌گونه که برخی از فقیهان معاصر (روحانی، ۱۴۱۴: ۲۲۶). نیز بیان فرموده‌اند، امکان رجوع از اذن برای پدیدآورنده وجود دارد. البته در این صورت نیز چنانچه از این رهگذر خسارتی متوجه ناشر شده باشد، وی می‌تواند بر مبنای قاعده غرور به پدیدآورنده رجوع کرده، خسارت‌های خود را مطالبه کند.

#### ب- تعهد پدیدآورنده به تضمین حقوق منتقل‌الیه

در حقوق فرانسه تعهد به تضمین حقوق منتقل‌الیه نوعی تعهد قراردادی است. این تعهد که در قانون مدنی فرانسه در مواد ۱۶۰۳<sup>۲</sup> و ۱۶۲۶<sup>۳</sup> به بعد درخصوص عقد بیع و مواد ۱۷۲۵ به بعد درخصوص عقد اجاره پیش‌بینی شده، در ماده ۸-۱۳۲ L قانون مالکیت فکری نیز در خصوص انتقال حق بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مورد تأکید قرار گرفته است. به موجب بند نخست ماده ۸-۱۳۲ L قانون مالکیت فکری فرانسه، «پدیدآورنده مکلف است جز در صورت شرط مخالف، اجرای بدون دغدغه و انحصاری حق انتقال یافته به ناشر را تضمین کند.» بند دوم ماده مزبور مقرر می‌دارد: «پدیدآورنده مکلف به احترام به حق انتقال یافته به ناشر است و باید در برابر تمام آسیب‌های وارد به حق مزبور، دفاع کند.»

۱. البته باید توجه داشت که پذیرش این حکم فرع بر پذیرش عقیده‌ای است که به موجب آن، قاعده لاضرر علاوه بر نفی حکم ضرری، اثبات حکم هم می‌کند.

2- Article 1603 "Il a deux obligations principales, celle de délivrer et celle de garantir la chose qu'il vend."

3- Article 1626 "Quoique lors de la vente il n'ait été fait aucune stipulation sur la garantie, le vendeur est obligé de droit à garantir l'acquéreur de l'éviction qu'il souffre dans la totalité ou partie de l'objet vendu, ou des charges prétendues sur cet objet, et non déclarées lors de la vente."

تعهد پدیدآورنده مبنی بر تضمین حقوق منتقل‌الیه، همان‌گونه که مشکلات حقوقی (Troubles de droit) مانند حقوق ادعایی اشخاص ثالث را در بر می‌گیرد؛ ناظر به مشکلات مادی (Troubles de fait) مانند مزاحمت‌های عملی اشخاص ثالث نیز هست. البته تعهد به تضمین شامل مزاحمت‌های عملی که بعداً عارض می‌شود، نخواهد بود (Pollaud-Dulian, 2005: 632, n° 1049-1050; cf. Colombet, 1976, p. 265, n° 322). مزاحمت‌ها و مشکلات حقوقی که پدیدآورنده باید نسبت به آن‌ها پاسخگو باشد، بسیار متنوع است. به عنوان نمونه مشکلات ناشی از اقامه دعوی علیه پدیدآورنده با ادعای تقلب، نقض حریم خصوصی و به‌طور کلی تر نقض حقوق شخصیت یا دعاوی ناشی از ورود خسارت به دلیل نادرستی اطلاعات مندرج در اثر را شامل می‌شود (Lucas, 2001: 459, n° 573).

همان‌گونه که از ظاهر ماده L132-8 برمی‌آید، ناشر نسبت به حق بهره‌بردار از اثر در محدوده انتقال یافته، دارای حق انحصاری است؛ بدین معنی که پدیدآورنده باید تمامیت حقی را که به ناشر انتقال یافته، تضمین کند؛ مگر این‌که برخلاف آن توافق شده باشد. با توجه به این تعهد، پدیدآورنده حق ندارد در محدوده زمانی، مکانی و در شرایطی که حق بهره‌بردار از اثر مزبور را به ناشر واگذار کرده، به اقدام معارض از جمله انعقاد قرارداد مجدد انتشار مبادرت کند. البته بدیهی است پدیدآورنده می‌تواند در ورای حدود واگذار شده، از اثر بهره‌بردارهای دیگر بکند (Pollaud-Dulian, 2005: 633, n° 1051).

همین مطالب را در حقوق مصر نیز باید پذیرفت. برخی از حقوقدانان مصری (سنه‌وری، ۱۹۹۸، ج ۷: ۳۳۸-۳۳۶) در این خصوص در مقام بیان تعهدات پدیدآورنده، به مسئولیت و تعهد وی نسبت به تعرض به حقوق ناشر تصریح کرده‌اند. به اعتقاد ایشان، بر اساس این تعهد، پدیدآورنده باید از اقدامات معارض با حقی که انتقال داده، خودداری کند. بنابراین، پدیدآورنده حق ندارد بدون رعایت حقوق ناشر، شخصاً یا بوسیله دیگری اقدام به انتشار اثر کند. چاپ کل اثر در مجله یا روزنامه یا چاپ آن در دو یا چند شماره معدود از آن نیز در حکم انتشار بوده، ممنوع است. باید توجه داشت پدیدآورنده درخصوص ادعاهای دیگران از قبیل ادعای سرقت ادبی و نقض اسرار دیگری نیز متعهد بوده، باید پاسخگو باشد. در حقوق مصر، عدم رعایت این تکلیف موجب مسئولیت قراردادی مبنی بر جبران خسارت دانسته شده است. ضمن این‌که ناشر می‌تواند نسبت به جلوگیری از انتشار غیرقانونی مزبور و نیز جمع‌آوری نسخ ناشی از آن، اقدام مقتضی به‌عمل آورد.

در فقه امامیه و حقوق ایران نیز هرچند مقرراتی ویژه در این خصوص وجود ندارد؛ لیکن می‌توان برحسب مورد، از مقرراتی ویژه که در بحث بیع، اجاره و امثال آن درباره ضمان درک، ضمان عیوب، مسئولیت مربوط به مزاحمت اشخاص ثالث و امثال آن مقرر گردیده، بهره

گرفت. به‌عنوان نمونه، ضمان درک که در ماده ۳۹۱ قانون مدنی<sup>۱</sup> در بحث بیع مطرح شده و برگرفته از فقه امامیه است؛ قاعده‌ای عمومی است و قابل تطبیق بر قرارداد انتشار نیز است. بنابراین چنانچه شخصی به ادعای پدیدآورنده بودن، حق بهره‌برداری از اثری (حق نشر) را به دیگری (ناشر) منتقل کند، قرارداد مزبور از نفوذ حقوقی برخوردار نیست و در صورت عدم تنفیذ بوسیله پدیدآورنده واقعی، قرارداد باطل بوده، پدیدآورنده ادعایی مسؤول استرداد وجه دریافتی است. حسب مستنبط از ماده ۲۶۳ قانون مدنی، در فرض مزبور چنانچه ناشر جاهل بر فضولی بودن قرارداد باشد، پدیدآورنده ادعایی علاوه بر استرداد وجه دریافتی، ملزم به جبران خسارات ناشر نیز هست. احکام مزبور به‌ویژه ریشه در قاعده ضمان ید و قاعده غرور دارد (درک. حائری‌شاه‌باغ، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۵۱).

به موجب مواد ۴۸۸ و ۴۸۹ قانون مدنی در بحث اجاره به ترتیب، «اگر شخص ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستاجر یا منافع آن، مزاحم مستأجر شود، در صورتی که قبل از قبض باشد، مستأجر حق فسخ دارد و اگر فسخ نکرد، می‌تواند برای رفع مزاحمت و مطالبه اجرت‌المثل به خود مزاحم رجوع کند و اگر مزاحمت بعد از قبض واقع شود، حق فسخ ندارد و فقط می‌تواند به مزاحم رجوع کند.» و «اگر شخصی که مزاحمت می‌نماید، مدعی حق نسبت به عین مستأجره یا منافع آن باشد، مزاحم نمی‌تواند عین مزبور را از ید مستأجر انتزاع نماید، مگر بعد از اثبات حق با طرفیت مالک و مستأجر هر دو.» مبنای احکام مزبور که برگرفته از فقه امامیه است (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۲۱؛ علامه حلی، بی‌تا، ج ۲: ۳۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۱۸-۲۱۹؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۲، ج ۱۰: ۶۰؛ نجفی، ۱۳۹۴، ج ۲۷: ۳۱۰-۳۰۹؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۶۵۸-۶۵۷؛ حکیم، ۱۴۰۴، ج ۱۲: ۵۷-۵۶).<sup>۲</sup> این است که مزاحمت ثالث قبل از قبض، تعذر از تسلیم محسوب شده، برای جلوگیری از ضرر منتقل‌الیه، قانونگذار برای وی حق فسخ و استرداد عوض را به رسمیت شناخته است. همچنین وی می‌تواند به جای فسخ قرارداد، برای مطالبه اجرت‌المثل بر مبنای قاعده اتلاف، به ثالث مزاحم مراجعه کند. طبیعی است چنانچه مزاحمت ثالث پس از قبض رخ دهد، با توجه به انجام تعهد اقباض بوسیله انتقال‌دهنده، منتقل‌الیه، صرفاً حق مراجعه به مزاحم ثالث را خواهد داشت. همین مبانی می‌تواند در مورد قرارداد انتشار و جهت تنظیم روابط میان پدیدآورنده و ناشر نیز مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است، چنانچه پدیدآورنده و ناشر قالب عقد اجاره را برای انعقاد قرارداد انتشار انتخاب کنند، مواد ۴۸۸ و ۴۸۹ قانون مدنی عیناً بر روابط قراردادی

۱. «ماده ۳۹۱- در صورت مستحق‌الغیر درآمدن کل یا بعض از مبیع، بایع باید ثمن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری بوجود فساد، بایع باید از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز برآید.»

۲. البته حکم مزبور در خصوص مزاحمت قبل از قبض، اجماعی نبوده، نظرات دیگری توسط برخی از فقیهان (اصفهانی، ۱۴۰۹: ۲۶۳-۲۶۱؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۵۰-۴۸؛ خوئی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۹۰-۱۸۹؛ روحانی، ۱۴۱۴، ج ۱۹: ۱۱۸-۱۱۷) مطرح شده است.



ایشان حاکم خواهد بود. در غیر این صورت نیز ملاک آن بسته به مورد قابل استفاده خواهد بود.

علاوه بر این‌ها، اصل لزوم وفای به عهد<sup>۱</sup> و نیروی الزام‌آور قراردادها که در ماده ۲۱۹ قانون مدنی مقرر شده، نیز می‌تواند در موضوع مورد بررسی مورد استناد قرار گیرد. بر اساس اصل مزبور، پدیدآورنده باید به مفاد قرارداد ملتزم بوده و نمی‌تواند اقدامات منافی با تعهدات قراردادی خود انجام دهد. طبیعی است نقض این تعهد، مسئولیت پدیدآورنده را به دنبال خواهد داشت. بدیهی است در حقوق ایران نیز چنانچه قرارداد، صرفاً ناظر به انتشار از طریق خاص یا در مکان یا زمان خاص باشد، پدیدآورنده می‌تواند با رعایت حقوق ناشر، از طرق دیگر یا در مکان‌ها و زمان‌های دیگر اقدام به انتشار کند.

### ج- مشارکت پدیدآورنده در عواید بهره‌برداری از اثر

در نظام حقوقی فرانسه، برای تعیین میزان عوض، مقرراتی ویژه وضع شده است. ماده L131-4 قانون مالکیت فکری این کشور اصل لزوم مشارکت پدیدآورندگان در عواید بهره‌برداری از اثر خود را پیش‌بینی کرده است. بر اساس این ماده، انتقال حقوق مادی اثر باید متضمن شرط مشارکت نسبی پدیدآورنده در عواید حاصل از فروش یا بهره‌برداری باشد. قانونگذار فرانسه با اتخاذ این راه حل درصد مرتفع کردن این خطر بوده که پدیدآورنده، حقوق بهره‌برداری خود راجع به اثر را با مبلغی ناچیز و مقطوع به دیگری منتقل کند و در موفقیت‌های مالی ناشی از اثرش سهم نباشد (Pollaud-Dulian, 2005: 595, n° 978).<sup>۲</sup> همچنین در توجیه این روش و منصفانه بودن آن گفته شده (Lucas, 2001: 424, n° 518؛ کلمبه، ۱۳۸۵: ۱۶۴) که پدیدآورنده در موفقیت یا عدم موفقیت اثرش سهم می‌شود. با این حال، باید توجه داشت که برای اصل مزبور نقاط ضعف نیز بیان شده است. از سویی، از آن جا که برای مشارکت مزبور حداقلی مقرر نشده، در نتیجه می‌توان درصد کمی از مشارکت را برای پدیدآورنده پیش‌بینی کرد که جز در مورد سوءاستفاده آشکار<sup>۳</sup>، توافق مزبور تأمین‌کننده شرایط قانونی است و دادگاه نمی‌تواند متعرض آن شود. از سوی دیگر، در موارد فراوان تعیین مبلغ مقطوع به‌جای

۱. یا ایها الذین امنوا أوفوا بالعقود (مانده/۱).

۲. قانونگذار فرانسه در مقام حمایت از پدیدآورنده تدابیر دیگری نیز اندیشیده است. از این میان پیش‌بینی حق تعقیب برای پدیدآورندگان آثار هنری قابل ذکر است که با تدبیراندیشیده شده درخصوص نحوه تعیین میزان عوض در قراردادهای بهره‌برداری از اثر قابل مقایسه است.

۳. برخی از حقوقدانان فرانسوی (Desbois, 1966, n° 561:610) به‌صراحت، موردی را که درصد بسیار ناچیزی از مشارکت برای پدیدآورنده تعیین می‌گردد، تقلب نسبت به قانون دانسته، آن را مصداق مشارکت ندانسته بلکه به مثابه مبلغ مقطوع تلقی کرده‌اند. برای ملاحظه راه‌حل‌های دیگر درخصوص ناچیز بودن درصد مشارکت، رک. (Pollaud-Dulian, 2005: 598, n° 986؛ کلمبه، ۱۳۸۵: ۱۶۶-۱۶۴).

نمی‌تواند متعرض آن شود. از سوی دیگر، در موارد فراوان تعیین مبلغ مقطوع به‌جای مشارکت، بوسیله قانونگذار فرانسه تجویز شده<sup>۱</sup> که فراوانی استثناها به تخصیص اکثر انجامیده است. به‌علاوه، در صورتی که مبلغ عوض/حق تألیف مقطوع باشد، پدیدآورنده می‌تواند در صورت وجود شرایط، درخواست تجدیدنظر در قیمت بکند. توضیح این‌که چنانچه به‌واسطه غبن یا عدم پیش‌بینی صحیح عواید حاصل از اثر، خساراتی بیش از هفت دوازدهم مبلغ مورد توافق، به پدیدآورنده وارد آید، وی می‌تواند اصلاح مبلغ را درخواست نماید.<sup>۲</sup> حکم این ماده ناظر به فرضی است که مبلغ قرارداد به‌صورت مقطوع تعیین شده باشد. حال آن‌که در فرضی که مبلغ به‌صورت مشارکتی تعیین شده، استفاده از حق مزبور منتفی است (کلمبه، ۱۳۸۵: ۱۶۶-۱۶۴).

به‌موجب ماده ۱۵۰ قانون مالکیت فکری مصر مصوب ۲۰۰۲ میلادی، پدیدآورنده می‌تواند در ازای انتقال تمام یا برخی از حقوق بهره‌برداری اثر، تقاضای عوضی عادلانه بر اساس مشارکت نسبی<sup>۳</sup> یا مبلغی مقطوع و یا ترکیبی از آن دو بنماید. البته ماده ۱۵۱ قانون مزبور مقرر می‌دارد که چنانچه موافقت مزبور موجب اجحاف به حقوق پدیدآورنده باشد یا در آینده در اثر اوضاع و احوالی که پس از قرارداد پیش می‌آید، چنین وضعیتی رخ دهد، وی می‌تواند از دادگاه تعدیل قرارداد را تقاضا نماید. به‌اعتقاد برخی اساتید حقوق مصر (سنهوری، ۱۹۹۸، ج ۸، ۳۸۹-۳۸۸)؛ چنین حکمی خلاف اصل بوده، باید به موارد منصوص قانونی بسنده کرد. چون اصل این است که عوض قرارداد جز با قرارداد جدید قابل تعدیل نیست.

در حقوق ایران در خصوص چگونگی تعیین میزان عوض، به دلیل فقدان مقررات ویژه، موضوع مشمول قواعد عمومی است. بنابراین در صورتی که طرفین مشارکت نسبی در عواید حاصل از بهره‌برداری از اثر بوسیله منتقل‌الیه را به صورت شرط در ضمن قرارداد درج کرده باشند، به نظر می‌رسد شرط مزبور با توجه به اصل صحت شرط، نافذ است و پدیدآورنده از حق مزبور برخوردار خواهد بود. طبیعی است در این فرض منشأ حق قرارداد است. بدیهی است چنانچه امر مزبور در عرف حاکم بر روابط میان پدیدآورنده و ناشر، شناخته شده باشد، به موجب ماده ۲۲۵ قانون مدنی، متعارف بودن آن به منزله ذکر در عقد است. اما در صورتی که حق مزبور به نحوی وارد در قلمرو تراضی نشود، پذیرش آن محملی نخواهد داشت.

۱. استثنای مزبور در مواد مختلف قانون مالکیت فکری فرانسه پیش‌بینی شده است. ماده 4-131 L متضمن شش مورد استثنا است. ماده 6-132 L نیز در نه بند، استثنای متعددی را مطرح نموده است. برای ملاحظه تفصیل استنهاها، رک. (Desbois, 1966, n° 566 s: 615 s.; Pollaud-Dulian, 2005: 599-600, n° 987-991; Lucas, 2001: 430 s., n° 530 s).

۲. این حکم در ماده 5-132 L قانون مالکیت فکری فرانسه مقرر شده است.

۳. مشارکت نسبی ممکن است بر اساس نسبتی از قیمت شمارگان اثر انتشار یافته و یا به نسبت قیمت نسخه‌هایی که فروخته می‌شود، صورت پذیرد. (رک. سنهوری، ۱۹۹۸، ج ۷: ۳۳۳).

در خصوص تعدیل قرارداد نیز در حقوق ایران باید گفت، جز با توافق طرفین یا تصریح نصوص قانونی، امکان تعدیل وجود ندارد.<sup>۱</sup> با وجود این، در صورتی که هریک از طرفین با توجه به اوضاع و احوال زمان قرارداد، دچار غبن فاحش شده باشند؛ با توجه به ماده ۴۱۶ قانون مدنی، حق فسخ قرارداد را خواهند داشت. بدیهی است این حق متعلق به طرفی است که مغبون شده و ناظر به غبن در زمان قرارداد است. همان‌گونه که بسیاری از حقوقدانان (حائری شاهباغ، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۰۳-۴۰۲؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۱۹۶؛ امامی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۹۸؛ شهیدی، ۱۳۸۴: ۵۹) و فقیهان امامی (نائینی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۲۲؛ خوئی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۳۵۵؛ روحانی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۴۱۷) اظهار کرده و حتی برخی (محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۴۶۶؛ محقق بحرانی، بی تا، ج ۱۹: ۴۱؛ انصاری، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۶۸) بر آن ادعای اجماع کرده‌اند، غبن حادث، خیار فسخ را به دنبال نخواهد داشت. البته برخی از حقوقدانان (صفایی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۶۴) در مواردی که تغییر شرایط اوضاع و احوال موجب عسر و حرج می‌شود؛ از حق فسخ برای کسی که دچار عسر و حرج شده، سخن گفته‌اند. برخی دیگر (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۰۲ و ۱۰۷-۱۰۶ نیز رک. صادقی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۷۶-۱۷۵). علاوه بر قاعده عسر و حرج به قاعده لاضرر نیز به عنوان مبنای خیار غبن استناد کرده، معتقدند می‌توان از قاعده اخیر نیز برای پذیرش حق فسخ معامله در فرض غبن حادث استفاده کرد.

البته در خصوص استناد به قاعده عسر و حرج، باید گفت همان‌گونه که برخی از استنادکنندگان به عسر و حرج (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۰۳ و ۱۰۶) نیز اظهار کرده‌اند، عسر و حرج در قراردادهای آنی، قابل تصور نیست. در مورد قراردادهای مستمر نیز اثبات تحقق آن به راحتی امکان پذیر نیست. به‌ویژه این‌که فسخ قرارداد به استناد عسر و حرج، ممکن است به زیان و عسر و حرج طرف مقابل نیز بینجامد که در این صورت به دلیل تعارض دو عسر و حرج، نمی‌توان به آن استناد کرد. البته پیش‌بینی مقرراتی ویژه در این خصوص که حقوق پدیدآورندگان را بیشتر تأمین کند، شایسته به نظر می‌رسد.

#### د- شرط تعیین سقف برای قیمت فروش نسخه‌های تکثیر شده

در خصوص نسخه‌های تکثیرشده از اثر ممکن است پدیدآورنده در قرارداد انتشار، شرط کند که ناشر حق فروش به قیمتی بیش از قیمت مورد توافق را نداشته باشد. این شرط دارای توجیه منطقی است. زیرا ممکن است پدیدآورنده بنا به مصالحی همچون تسهیل در ارائه به عموم و در نتیجه بهره‌مندی از آثار مادی و معنوی آن، چنین شرطی را لازم بداند. در هر حال

۱. برای مطالعه تفصیلی در این خصوص، رک. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۳: ۷۲ به بعد؛ صادقی مقدم، ۱۳۸۶؛ بیگدلی، ۱۳۸۶؛ فخار طوسی، ۱۳۸۰: ۱۳۶-۹۶).

چنین شرطی مشمول عموم «المؤمنون عند شروطهم» قرار داشته، دلیلی بر بطلان آن از نقطه نظر فقه و حقوق موضوعه ایران وجود ندارد.

این مسأله بوسیله حقوقدانان مصری (سنهوری، ۱۹۹۸، ج ۷: ۳۳۳-۳۳۴) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در قانون مالکیت فکری فرانسه منعی در این خصوص ملاحظه نمی‌شود. بنابراین با توجه به اصل حاکمیت اراده و به تبع آن، اصل آزادی قراردادی که در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه<sup>۱</sup> مورد پذیرش قرار گرفته، باید قائل به صحت چنین شرطی در حقوق این کشور بود.

### بند دوم- برخی از حقوق و تعهدات منتقل‌الیه

منتقل‌الیه نیز در برابر پدیدآورنده حقوق و تعهداتی دارد. درخصوص مهم ترین حقوق و تعهدات مزبور، از سویی تعهد منتقل‌الیه به انتشار اثر (الف) و لزوم رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده (ب) و از سوی دیگر، امکان انتقال حق بهره‌برداری بوسیله منتقل‌الیه و وجود چنین حقی برای وی (ج) مستلزم بررسی است.

### الف- تکلیف منتقل‌الیه به انتشار اثر

با توجه به ویژگی‌های قرارداد انتشار، این سؤال مطرح می‌شود که آیا در مواردی که حق بهره‌برداری از اثر به دیگری منتقل می‌شود؛ وی مکلف به انتشار اثر است یا خیر؟ در برخی نظام‌های حقوقی، تکلیف مزبور در قانون پیش‌بینی شده است. به‌موجب ذیل ماده L132-1 قانون مالکیت فکری فرانسه، ناشر متعهد است تکثیر و توزیع اثر را تضمین کند. هرچند درخصوص دامنه شمول مقرر مزبور، اختلافاتی به دکترترین حقوقی فرانسه نسبت داده شده (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۰۶-۳۰۷). در اصل تعهد مزبور جای تردید وجود ندارد. به‌علاوه به‌موجب ماده L132-12 قانون مزبور، ناشر موظف است بهره‌بردار دائم و مستمر از اثر و توزیع تجاری آن مطابق با رویه‌های حرفه‌ای را تضمین کند.<sup>۲</sup>

۱. به موجب بند نخست این ماده، «قراردادهایی که به طور قانونی منعقد شده، به منزله قانون حاکم بر طرفین قرارداد است».

Article 1134: "Les conventions légalement formées tiennent lieu de loi à ceux qui les ont faites."

برای ملاحظه اصل حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی در حقوق فرانسه، رک. (Marty et Raynaud, 1988:27 s.; Flour, Aubert et Savaux, 2002: 67 s.; Weill et Terré, 1980: 51 s.)

۲. برای ملاحظه جزئیات تعهدات مزبور در حقوق فرانسه، رک. (Lucas, 2001, 463-471, n° 581-591; Colombet, 1976: 266-270, n° 324-328.)

همچنین طبق ماده L132-12 این قانون، ناشر مکلف است گزارش عملکرد خود را به پدیدآورنده ارائه دهد.<sup>۱</sup> یکی از فواید آگاهی پدیدآورنده از اقدامات انجام گرفته (تعداد نسخه‌های تولید شده و فروخته شده، نسخه‌های باقی مانده و امثال آن)، این است که وی می‌تواند میزان موفقیت اثر خود را ارزیابی کند. به‌ویژه این‌که این مهم در تشخیص میزان حق‌الزحمه پدیدآورنده نیز مؤثر است (Pollaud-Dulian, 2005: 622, n° 1030). به عبارت دیگر ارائه گزارش موجب می‌شود که پدیدآورنده از گستره پخش اثر، آگاهی یافته، امکان بررسی مطابقت مبالغ پرداختی با آنچه باید پرداخت شود را پیدا کند (کلمبه، ۱۳۸۵: ۱۷۳).

در حقوق مصر نیز چنین تعهدی در شمار تعهدات اساسی ناشر شمرده شده و ضمانت اجرای آن حق فسخ قرارداد و مطالبه خسارت دانسته شده است. زیرا تنها هدف پدیدآورنده از قرارداد انتشار تحصیل منافع مادی نیست، بلکه وی در پی انگیزه‌های معنوی نیز است که به دنبال انتشار اثر حاصل می‌شود. به‌علاوه در مواردی که ناشر حق تجدید چاپ اثر را برای دفعات متعدد تحصیل کرده، مکلف است چنانچه شمارگان چاپ نخست رو به پایان است، نسبت به چاپ بعدی اقدام کند. البته این تعهد مشروط بر این است که اثر مورد نظر اهمیت خود را در نزد عموم از دست نداده باشد و چاپ بعدی آن مورد انتظار باشد (سنهوری، ۱۹۹۸، ج ۷: ۳۳۹-۳۳۸).

در حقوق ایران، مقرراتی ویژه در این خصوص نداریم. برخی از نویسندگان (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۰۸-۳۰۷). به‌منظور اثبات تعهد مزبور، ضمن اشاره به فلسفه انعقاد چنین قراردادی مبنی بر تکثیر اثر و تلاش برای منتسب کردن تعهد مزبور به اراده ضمنی طرفین، مدعی شده‌اند که در موادی همچون مواد ۱۲، ۱۴ و ۱۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان که قانونگذار در مقام بیان اثر قرارداد واگذاری حقوق پدیدآورنده، از «مدت استفاده» سخن گفته و «مدت» را به «استفاده» از آن حقوق مقید کرده است. معلوم نیست نویسنده مزبور چگونه از محدود بودن حقوق واگذار شده از نظر زمانی، تعهد ناشر مبنی بر استفاده از حقوق مزبور را استنباط کرده است. به‌علاوه نویسنده مزبور (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۰۸) لازمه تکالیف مندرج در مواد ۱۸ و ۲۰ قانون را شناسایی تکلیف ناشر مبنی بر بهره‌برداری و انتشار اثر دانسته است. ماده ۱۸ مقرر می‌دارد: «انتقال‌گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به‌منظور انتفاع دارند، باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر، همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده، به روش معمول و متداول، اعلام و

۱. برای ملاحظه جزئیات تعهد به ارائه گزارش عملکرد (Obligation de rendre compte) در حقوق فرانسه، ر.ک. (Pollaud-Dulian, 2005, pp. 629-630, n° 1044; Lucas, 2001, pp. 477-478, n° 598-600; Colombet, 1976, pp. 270-271, n° 329).

درج کند؛ مگر این که پدیدآورنده به ترتیب دیگر موافقت کرده باشد». به موجب ماده ۲۰ نیز «چاپخانه‌ها و بنگاه‌های ضبط صوت و کارگاه‌ها و اشخاصی که به چاپ یا نشر یا پخش یا ضبط و یا تکثیر اثرهای مورد حمایت این قانون می‌پردازند، باید شماره دفعات چاپ و تعداد نسخه کتاب یا ضبط یا تکثیر یا پخش یا انتشار و شماره مسلسل روی صفحه موسیقی و صدا را بر تمام نسخه‌هایی که پخش می‌شود، با ذکر تاریخ و نام چاپخانه یا بنگاه و کارگاه مربوط بر حسب مورد درج نمایند». با توجه به متن مواد ذکر شده، ملازمه میان تکالیف مندرج در این مواد و تکلیف بهره‌برداری و انتشار اثر روشن نیست.

به نظر می‌رسد در حقوق ایران و فقه امامی، وجود تعهد مزبور منوط به ورود در قلمرو تراضی است تا مشمول قواعد عمومی و عموماً وفای به عقد و شرط شود. طبیعی است چنانچه طرفین تصریحی به تعهد مورد بحث نکرده باشند، باید با توجه به ماهیت قرارداد و اوضاع و احوال پیرامون آن، در جستجوی اراده ضمنی طرفین بود. به عنوان نمونه چنانچه قرارداد انتشار در قالب عقد اجاره تحلیل گردیده و دامنه حقوق انتقالی به وسیله قرارداد مزبور گسترده باشد به نحوی که استفاده از حقوق مزبور طی مدت طولانی در انحصار ناشر قرار گیرد، به نظر می‌رسد که می‌توان چنین تعهدی را در زمره تعهدات عرفی و ضمنی قراردادی به‌شمار آورد، به‌ویژه این که پدیدآورنده اثر به‌طور معمول درصدد شناساندن خود و افکارش از راه انتشار و عرضه اثر است. بدیهی است با توجه به عرف موجود، در صورت اطلاق قرارداد نشر، باید تعهد به انتشار را ناظر به نشر کاغذی دانست، هرچند که در صورت پیش‌بینی در قرارداد، سایر انواع نشر، از جمله نشر الکترونیک نیز می‌تواند موضوع تعهد ناشر قرار گیرد.

### ب- رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده

حقوق مربوط به آثار ادبی و هنری، دارای جنبه‌های مادی و معنوی است. از این میان، حقوق معنوی مربوط به شخصیت پدیدآورنده بوده، ماهیت مالی ندارند و قابل انتقال نیستند. حقوق معنوی آن دسته از حقوق و امتیازات غیرمالی است که مربوط به شخصیت پدیدآورنده و برای حمایت از آن مقرر شده است (صفایی، ۱۳۸۶: ۸۴). به تعبیر برخی از نویسندگان فرانسوی (پلو-دولیان، ۱۳۸۶: ۲۵۹ و ۲۶۵) حق معنوی پدیدآورنده حقی شخصیتی و دارای ویژگی‌های خاص خود است. در واقع نمی‌توان منکر تبلور شخصیت پدیدآورنده در اثرش گردید. همین امر موجب خاص بودن حق پدیدآورنده بوده، توجیه کننده شرط لزوم اصالت برای حمایت از اثر است.

ماده چهار قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، حقوق معنوی پدیدآورنده را غیر قابل انتقال معرفی کرده است. ماده 1-121 L قانون مالکیت فکری فرانسه<sup>۱</sup> نیز حق احترام به نام و سمت و اثر پدیدآورنده را به عنوان حقوق معنوی، غیر قابل انتقال دانسته است. برخی از حقوقدانان فرانسه<sup>۲</sup>، عدم قابلیت انتقال حقوق معنوی را مرتبط با نظم عمومی دانسته، معتقدند رویه قضایی قبل از قانونگذار، این قاعده را پذیرفته بود. در نظام حقوقی مصر نیز ماده ۱۴۳ قانون مالکیت فکری این کشور به غیرقابل انتقال بودن حقوق معنوی پدیدآورنده تصریح کرده است. بنابراین بدیهی است در اثر قرارداد انتشار، حقوق مزبور منتقل نگردیده، همچنان متعلق به پدیدآورنده است و ناشر مکلف به رعایت آن است.

به همین جهت ماده 11-132 L قانون مالکیت فکری فرانسه در راستای قاعده لزوم رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده، در بندهای دو و سه خود، مقرر کرده که ناشر حق ندارد بدون اجازه پدیدآورنده، هیچ تغییری در اثر بدهد. همچنین وی مکلف است جز در صورت شرط مخالف، در تمام نسخه‌های منتشره نام، نام مستعار یا علامت ویژه پدیدآورنده را منعکس کند.<sup>۳</sup> البته بر اساس مفهوم مخالف ماده مزبور، ناشر می‌تواند با موافقت کتبی پدیدآورنده اقدام به تغییر در اثر یا تکثیر اثر بدون ذکر نام پدیدآورنده بکند. حکم ماده ۱۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مبنی بر لزوم ذکر نام پدیدآورنده بوسیله ناشر بر روی نسخه‌های اثر نیز در راستای لزوم رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده، تحلیل می‌شود.

### ج- بررسی امکان انتقال حق بهره‌برداری بوسیله منتقل‌الیه

سؤالی که در این قسمت باید به آن پرداخته شود، این است که آیا شخصی که حق بهره‌برداری از اثر به وی منتقل شده، می‌تواند حق مزبور را به دیگری واگذار کند؟ برای پاسخ به این سؤال در حقوق فرانسه باید میان دو فرض تفکیک کرد. از سویی ممکن است ناشر اقدام به انتقال حق بهره‌برداری کند بدون این‌که مایه تجاری و مؤسسه انتشارات خود را به دیگری انتقال دهد. از سوی دیگر، ممکن است انتقال حق بهره‌برداری به همراه و به تبع مایه تجاری و مؤسسه انتشاراتی صورت پذیرد. درخصوص فرض نخست، بند نخست ماده 132- L 16 قانون مالکیت فکری فرانسه برای واگذاری حقوق بوسیله ناشر به اشخاص ثالث، اصولاً

1- Article L121-1 "L'auteur jouit du droit au respect de son nom, de sa qualité et de son oeuvre. Ce droit est attaché à sa personne. Il est perpétuel, *inaliénable* et *imprescriptible*..."

2- Frédéric Pollaud-Dulian, *Le droit d'auteur*, Paris, Economica, 2005:387, n° 578.

۳. برای ملاحظه جزئیات تعهد به احترام به حقوق معنوی پدیدآورنده (Respect du droit moral de l'auteur) در حقوق فرانسه، رک. (Pollaud-Dulian, 2005: 622-623, n° 1031-1032; Lucas, 2001: 478-480, n° 601-). (604).

اجازه پدیدآورنده را لازم می‌داند. شرط مزبور فارغ از نوع قرارداد بوده، اعم است از این‌که قرارداد ناشر با اشخاص ثالث، مجانی یا معوض و یا حتی ناظر به سهمی مشاع باشد. مقررات پیش‌بینی شده در ماده مزبور (از جمله لزوم اخذ رضایت پدیدآورنده برای انتقال حق بهره‌برداری بوسیله منتقل‌الیه)، ریشه در لزوم حمایت از پدیدآورنده و علت عمده بودن شخصیت طرف قرارداد (intuit personae) دارد. به همین جهت ضمانت اجرای تخلف از مقرر مزبور که در زمره قواعد آمره است، بطلان نسبی قرارداد است. در خصوص فرض دوم هنگامی که قرارداد همراه مایه تجاری ناشر انتقال می‌یابد، اصولاً رضایت پدیدآورنده لازم نیست. با وجود این چنانچه انتقال مایه تجاری باعث به مخاطره افتادن شدید منافع مادی یا معنوی پدیدآورنده شود، وی می‌تواند مطالبه جبران خسارت کند که یکی از شیوه‌های آن فسخ قرارداد است. البته اثبات به مخاطره افتادن منافع مزبور و شدید بودن آن به عهده پدیدآورنده است (Pollaud-Dulian, 2005: 618-619, n° 1023-1024).

در دکترین حقوقی مصر (سنه‌وری، ۱۹۹۸، ج ۷: ۳۳۰) قرارداد انتشار قائم به شخص ناشر شمرده نشده؛ مگر این‌که احوال به وضوح دلالت بر این کند که قرارداد نشر با ناشر مشخصی به لحاظ ویژگی‌های خصوصی وی منعقد شده است. بر همین مبنا فوت ناشر اصولاً موجب انحلال قرارداد انتشار نخواهد بود. بلکه ورثه جایگزین ناشر می‌شوند. با وجود این، ناشر حق انتقال حقوق خود را به ناشر دیگر جز با رضایت پدیدآورنده ندارد. زیرا به‌رغم عدم اهمیت ویژگی‌های شخصی و خصوصی ناشر، امکانات مالی و شهرت تجاری وی برای پدیدآورنده دارای اهمیت بوده و به همین جهت وی را برای انعقاد قرارداد برگزیده است.

در حقوق ایران نیز برخی (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۰۵-۳۰۲) معتقدند که معمولاً شخصیت ناشر، امکانات، تجربه و تخصص او به‌ویژه برای پدیدآورندگان مشهور، حائز اهمیت است. به همین جهت به اعتقاد ایشان، باید قائل به وجود شرطی ضمنی مبنی بر عدم انتقال قرارداد انتشار به غیر گردید و در نتیجه ضمانت اجرای تخلف از شرط مزبور، ایجاد حق فسخ به سود پدیدآورنده نسبت به قرارداد انتشار اولیه خواهد بود. تبعیت از حقوق فرانسه در این خصوص منطقی به نظر نمی‌رسد. زیرا قرارداد انتشار در حقوق فرانسه مفهوم خاص و احکام ویژه داشته که آن را از سایر قراردادها متمایز می‌سازد. به‌ویژه با توجه به این‌که در قراردادهای مزبور، حق تألیف نسبی وجود دارد که عملاً شهرت و اعتبارات مالی ناشر، نقش به‌سزایی در ارتقای حق مزبور خواهد داشت. درحالی‌که در حقوق ایران، قرارداد انتشار قرارداد معین مستقلی به‌شمار نمی‌آید و ممکن است در قالب‌های مختلف جلوه‌گر شود. بنابراین بسته به مورد و با توجه به شرایط و احوال، ممکن است شخصیت ناشر و توانایی و امکانات مالی وی دارای اهمیت یا فاقد آن باشد. در صورت اعتبار شخصیت ناشر، می‌توان ممنوعیت انتقال حقوق به



غیر را به وجود شرط ضمنی منتسب کرد. در این صورت چنانچه ناشر از این تعهد ضمنی تخلف کند، بسته به تحلیلی که از نوع شرط به عمل می‌آید، ضمانت اجرا متفاوت خواهد بود. چنانچه به موجب شرط مزبور، حق انتقال به غیر سلب شده باشد<sup>۱</sup>، اساساً انتقالات بعدی به دلیل فقدان حق انتقال، محکوم به بطلان خواهد بود. ولی اگر موضوع شرط صرفاً تعهد به خودداری از انتقال قرارداد انتشار به غیر باشد، با توجه به عدم امکان اجبار مشروط علیه به رعایت شرط، بر اساس ماده ۲۳۹ قانون مدنی<sup>۲</sup>، متعهدله حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.<sup>۳</sup>

البته باید توجه داشت که مطالب فوق حاوی تبیین موضوعی مسأله و تفسیر اراده طرفین قرارداد است و با توجه به اختلافات احتمالی که در این قبیل موارد ممکن است رخ دهد، شایسته است قانونگذار در این خصوص، به روشنی تعیین تکلیف کند.

## نتیجه

برخلاف حقوق فرانسه که قرارداد انتشار به عنوان عقدی معین مورد شناسایی قرار گرفته و مقررات ویژه در قانون مالکیت فکری آن کشور در خصوص آن پیش‌بینی شده، نظام حقوقی ایران فاقد مقررات ویژه در این خصوص است. در خصوص حقوق و تعهدات پدیدآورنده، از سویی، تسلیم نسخه اصلی اثر و تضمین حقوق منتقل‌الیه از تعهدات ویژه است که در برخی سیستم‌های حقوقی بر عهده پدیدآورنده و به نفع ناشر در نظر گرفته شده و از سوی دیگر، مشارکت پدیدآورنده در عواید بهره‌برداری از اثر و امکان تعیین سقف برای قیمت فروش نسخه‌های تکثیرشده به عنوان برخی از حقوق شناخته‌شده برای پدیدآورنده مطرح است. در خصوص حقوق و تعهدات مزبور در حقوق ایران باید گفت، تعهد به تسلیم نسخه اصلی اثر و تضمین حقوق منتقل‌الیه، بر اساس قواعد عمومی قراردادها و تعهدات قابل استنباط است. لیکن

۱. البته ممکن است در اعتبار چنین شرطی تردید شود. به عنوان نمونه برخی از فقیهان معاصر (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۲۷۲-۲۶۸). در تفسیر ماده ۹۵۹ قانون مدنی، با طرح سه اصطلاح «حق مدنی»، «حق تمتع» یعنی حق بهره‌مند شدن از حق و «حق اجرای حقوق مدنی» یعنی توان بهره‌برداری از حق، معتقدند حق تمتع و حق اجرای حقوق مدنی احکام قانونی و اجازات شرعی‌اند و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از خود سلب نماید ولی می‌تواند به جای اسقاط یا سلب حق، تعهد نماید که از جواز شرعی خود در مورد تمتع استفاده نکند. البته در تفسیر ماده ۹۵۹ نظرات دیگری (شهیدی، ۱۳۶۹: ۱۴۲-۱۴۶؛ همو، ۱۳۸۶: ۴؛ ج ۴: ۱۳۱-۱۳۴؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸: ج ۱: ۶۷؛ همو، ۱۳۸۵: ج ۱، قرائت و تمرین ۳: ۲۱۶؛ صفائی، ۱۳۷۶: ۲۴-۲۷؛ علامه، ۱۳۷۵: ۹۷-۱۰۵) نیز وجود دارد که صرف نظر از اختلافات موجود در آن، فی الجمله اسقاط حق به طور جزئی را مورد پذیرش قرار داده است.

۲. برای ملاحظه ضمانت اجرای شرط فعل، رک. (نائینی، ۱۴۱۸: ج ۳: ۲۴۶ به بعد؛ امامی، ۱۳۷۴: ج ۱: ۲۸۹-۲۹۰؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶: ج ۳: ۲۱۶-۲۲۵؛ محقق داماد، ۱۳۸۸: ۲۳۳).

۳. باید توجه داشت چنانچه مطلوب پدیدآورنده، مباشرت ناشر طرف قرارداد در انتشار اثر باشد، ممکن است انتقال حق بهره‌برداری منافاتی با شرط مذکور نداشته باشد، به گونه‌ای که منتقل‌الیه نخست، مباشرت خود در بهره‌برداری از اثر را حفظ نماید. در این صورت ایرادی بر انتقالات بعدی وارد نیست مگر این‌که اوضاع و احوال دلالت دیگری داشته باشد.

مشارکت پدیدآورنده در عواید بهره‌برداری از اثر و امکان تعیین سقف برای قیمت فروش نسخه‌های تکثیرشده، مستلزم ورود در قلمرو تراضی طرفین قرارداد است. درخصوص حقوق و تعهدات ناشر نیز از سویی، تکلیف منتقل‌الیه به انتشار اثر و رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده از تعهدات مهم ناشر به‌شمار آمده که در نظام حقوقی ایران نیز مورد پذیرش است. از سوی دیگر، مطابق حقوق فرانسه اصولاً ناشر بدون نیاز به رضایت پدیدآورنده، می‌تواند اقدام به انتقال قرارداد همراه با انتقال مایه تجاری خود کند. در صورت عدم انتقال مایه تجاری و یا در صورت به مخاطره افتادن شدید منافع مادی یا معنوی پدیدآورنده، انتقال قرارداد نشر منوط به رضایت پدیدآورنده است. در حقوق ایران مقرره‌ای در این خصوص پیش‌بینی نشده، ولی به نظر می‌رسد اصولاً منعی در این خصوص وجود ندارد؛ لیکن در صورت اعتبار شخصیت ناشر، می‌توان ممنوعیت انتقال حقوق به غیر را به وجود شرط ضمنی منتسب کرد.

## منابع و مأخذ

### الف- فارسی و عربی

۱. قرآن کریم.
۲. آیتی، حمید. (۱۳۷۵)، حقوق آفرینش‌های فکری با تأکید بر حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری، تهران: نشر حقوقدان.
۳. اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۰۹ق)، الاجاره، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴. امامی، سید حسن. (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۵. انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۹ق)، فرائد الأصول، ج ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۶. بیگلری، سعید. (۱۳۸۶)، تعدیل قرارداد، تهران: میزان.
۷. انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۲۰ق)، کتاب مکاسب، ج ۵، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری الثانیة لمیلاد الشیخ الأنصاری.
۸. بروجردی عبده، محمد. (۱۳۸۰)، حقوق مدنی، تهران: مجد.
۹. پلو-دولیان، فردریک. (۱۳۸۶)، «حق معنوی و حقوق شخصیتی» ترجمه علی‌رضا محمدزاده وادقانی، در مجموعه تأملاتی در حقوق تطبیقی، تهران: سمت.
۱۰. حائری شاه‌باغ، سیدعلی. (۱۳۸۲)، شرح قانون مدنی، ج ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۱. حسینی سیستانی، سید علی. (۱۴۱۴ق)، قاعدة لا ضرر و لا ضرار، قم: مکتب آیة‌الله العظمی السید السیستانی.
۱۲. حکیم، سید محسن. (۱۴۰۴ق)، مستمسک العروة، ج ۱۲، قم: منشورات مکتب آیة‌الله العظمی المرعشی النجفی.
۱۳. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۷)، مصباح الفقاهة، ج ۲ و ۴، قم: مکتبۃ الداوری.
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۳۶۵)، کتاب الاجاره، ج ۱، قم: منشورات مدرسه دار العلم.
۱۵. روحانی، سید محمد صادق. (۱۴۱۴ق)، المسائل المستحدثة، قم: مؤسسه دار الکتاب.
۱۶. روحانی، سید محمد صادق. (۱۴۱۴ق)، فقه الصادق (ع)، ج ۱۹، قم: مؤسسه دار الکتاب.
۱۷. روحانی، سید محمد صادق. (۱۴۱۸ق)، منهاج الفقاهة، ج ۵، قم: بی نا.
۱۸. زرکلام، ستار. (۱۳۸۷)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران: سمت.
۱۹. سنهوری، عبدالرزاق احمد. (۱۹۹۸)، الوسيط فی شرح القانون المدني الجديد، ج ۷ و ۸، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقية.
۲۰. شهید ثانی. (۱۴۱۴ق)، مسالك الأفهام، ج ۵، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

۲۱. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۴)، حقوق مدنی (۶)، تهران: مجد.
۲۲. شهیدی، مهدی. (۱۳۶۹)، «رابطه‌ی انسان با حقوق کلی مدنی و حق کلی اجرای حقوق»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، پاییز و زمستان، صص ۱۴۲-۱۴۶.
۲۳. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۳)، حقوق مدنی، ج ۳، آثار قراردادها و تعهدات، تهران: مجد.
۲۴. صادقی مقدم، محمد حسن. (۱۳۸۶)، تغییر در شرایط قرارداد، تهران: میزان.
۲۵. صفایی، سید حسین. (۱۳۸۶)، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران: میزان.
۲۶. صفایی، سید حسین. (۱۳۷۶)، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، تهران: سمت.
۲۷. صفایی، سید حسین. (۱۳۸۵)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، قواعد عمومی قراردادها، تهران: میزان.
۲۸. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۰ق)، العروة الوثقی، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۹. علامه، مهدی. (۱۳۷۵)، شروط باطل و تأثیر آن در عقود، اصفهان: انتشارات مانی.
۳۰. علامه حلی. (بی تا)، تذکره الفقهاء (ط.ق.)، ج ۲، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، طبعه حجریة.
۳۱. فخار طوسی، جواد. (۱۳۸۰)، پژوهشی در تعدیل قرارداد، مجله فقه اهل بیت فارسی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۹۶-۱۳۶.
۳۲. قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲.
۳۳. قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹.
۳۴. قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.
۳۵. قانون حمایت حقوق الملكية الفكرية.
۳۶. قانون مدنی ایران.
۳۷. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸)، حقوق مدنی، دوره عقود معین، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
۳۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ج ۷.
۳۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۶)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
۴۰. کلمبه، کلود. (۱۳۸۵)، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علی رضا محمدزاده وادقانی، تهران: میزان.
۴۱. کلینی، یعقوب. (۱۳۶۷)، الکافی، ج ۵، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۲. محقق اردبیلی. (۱۴۱۲ق)، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۰، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۴۳. محقق بحرانی. (بی تا)، الحدائق الناضرة، ج ۱۹، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۴. محقق حلی. (۱۴۰۹ق)، شرائع الإسلام، ج ۲، تهران: انتشارات استقلال.
۴۵. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۸)، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۶. محقق سبزواری. (۱۴۲۳ق)، کفایة الأحكام، ج ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۷. محمدی، پژمان. (۱۳۸۶)، قراردادهای حقوق مؤلف، تهران: دادگستر.
۴۸. مصطفوی، سید محمد کاظم. (۱۴۱۷ق)، مائة قاعدة فقهية، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهية، ج ۱، مدرسه الإمام أمير المؤمنين (ع).
۵۰. موسوی بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهية، ج ۱، قم: نشر الهادی.
۵۱. نائینی، محمد حسین. (۱۴۱۸ق)، منية الطالب (تقریرات بوسيله شيخ موسى خوانساری)، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۵۲. نجفی، شیخ محمد حسن. (۱۳۹۴)، جواهر الكلام، ج ۲۷، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

ب- خارجی

- 1-Code Civil.
- 2-Code de la propriété intellectuelle.
- 3-Colombet, Claude.(1976), **propriété littéraire et artistique**, Paris: Dalloz.
- 4-Desbois, Henri. (1966), **Le droit d'auteur**, Paris: Dalloz, 2 éd.
- 5-Flour, J., Aubert, J. L. et Savaux, É.(2002), **Les obligations, L'acte juridique**, Paris: Armand Colin et Delta, 2 éd.
- 6-Lucas, A. et H.-J.(2001), **traité littéraire et artistique**, Litec, 2<sup>e</sup> éd.
- 7-Marty, Gabriel et Raynaud, Pierre(1988),**Droit civil, les obligations**, T.1, 2<sup>e</sup> éd., Paris: Sirey.
- 8-pollaud-dulian, Frédéric(2005), **Le droit d'auteur**, Paris: Economaca.
- 9-Weill, Alex et Terré, François(1980), **Droit Civil, les obligations**, 3<sup>e</sup> éd., Paris: Dalloz.